

متن پرسش

با سلام واحترام: آقا و خانم مذهبی در زندگی مشترکشان به چالشهای غیر بنیادی و جدی نما برخوردند به عنوان نمونه خانم می گویند اگر رفت و آمد با فامیلهای داشته باشیم پوشش بد خانم های فامیل روی تربیت پسرهای من تاثیر می گذاره پس این کار را انجام ندهیم و مهاجرت به شهر دیگر را یک راهکار می داند آقا مخالف است با این نظر و یا اینکه خانم از اینکه آقا هیچگونه کمکی در امورات منزل نمی دهند ولی با رغبت کامل کارهای خواهرشان را انجام می دهند یا اینکه خانم از اینکه آقا اصلا مسائلی را با ایشان در میان نمی گذارد و هیچ گفتگوی کلامی بین آنها شکل نمی گیرد رنجی جانکاه می برد. خانم این راهکار را پیشنهاد می دهد که جدا زندگی کنند و آقا مجدد ازدواج نماید با فردی که خانم معرفی می کند آقا از اینکه خانم برایشان تعیین تکلیف می کند گله مند است. استاد عزیز خواستم اگر برای این دو بزرگوار که خانواده ای مذهبی هستند و دغدغه مند انقلاب توصیه ای دارید بفرمایید.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: باید با توجه به عرایضی که سال قبل در امامزاده گلپایگان شد <https://eitaa.com/matalebevijeh/11304> ؛ هر کدام باید متوجه باشند طرف مقابل برای خودش جهانی دارد و نباید همه در جهان ما حاضر باشند. بلکه باید متذکر شوند آیا می توانند جهان همدیگر را درک کنند، به جای آن که هر کدام جهان دیگری را نفی نمایند؟ آری! اینجا است که ارزش اسلام و انقلاب معلوم می شود که چگونه انسانها که هر کدام جهانی هستند، ذیل جهان گسترده توحید و معنویت می توانند همدیگر را درک کنند و محترم شمارند، وگرنه بالاخره جهان امروز و بشر امروز طوری است که هیچ کس، هیچ کس را به معنی واقعی تحمل نمی کند و به اصطلاح متفکران غربی: «انسان، گرگ انسان شده است». هر کدام باید نسبت به دیگری جهان گشوده ای باشند وگرنه باز تحقیر و باز نفی و باز عدم تحمل. این که گمان کنیم باید به جهت تحت تأثیر قرار نگرفتن فرزندان آنها را از بقیه به آن شکل که می فرمایید، جدا کنیم؛ در این زمان، این نوعی فرار از زندگی است. بالاخره انسانها با انسانها زندگی می کنند. مهم آن است که پدر و مادر با نوعی فرهیختگی، سبکی را به فرزندان نشان دهند که آنها احساس کنند حضور در آن سبک معنوی برای او معنای بهتری دارد؛ وگرنه فرار انسانها از انسانها در این دنیا غیر ممکن است. موفق باشید

